



جای خالی هزار پرنده

سعید عاشقی

در روند گذار از شعر قدمایی یا به قول مرسوم شعر کلاسیک، با استناد به پیشنه‌ها‌ت نیما یوشیج و شعر نو تا دغدغه‌های ابتدایی هوشنگ ایرانی و تجارب شاملویی در آزاد کردن شعر از قید و بند لیکن در همین فاصله اندک (در مقایسه با پشتوانه تقریبا هزار ساله ادبیات و شعر کلاسیک) فعل و انفعالاتی در این زائر و جریان جادث شده است که ورای هر برداشت و مقایسه و تفاسیری با دیگر قالب‌ها و ژانرها و انواع ادبی، همواره فصلی بر صفحات این کتاب افزوده شده و متعاقبا از متن و بطن چنین جریان و روالی، بسترها و آبشخورهایی اعم از انگاره‌های تئوریک و ریتوریک را از قبیل شعر حجم، موج نو، حرکت، پسانیمایی و دیگر سروده‌ها و تجاری ذیل عنوان شعر دهه هفتاد شکل گرفته و مطرح شده است.

و اما این مقدمه درجیه ایست شاید برای تبیین بهتر و تمرکز بر دفتر شعری با همین رویکرد تحت عنوان: جای خالی هزار پرنده اثر شاعر جوان قزوینی مجید لواف که بیش از یک دهه او را دیده و شنیده‌ام و با اشعار و سروده‌هایش در حوزه شعر سپید آشنایی دارم و از اینکه اولین دفتر شعر خود را این همه دیر به چاپ رسانده (ضمن انتقاد از کم کوشی و تاخیرش) باز هم خوشحالم. جای خالی هزار پرنده با ۵۵ قطعه شعر آزاد در ۱۱۱ صفحه توسط نشر نصیرا چاپ و منتشر شده است. آثاری که بیشتر با تکیه بر انسجام ها و رویکرد خطی روایی (در شکل و شمایل عمومی و شبه کلاسیک در زائر سپید) شکل گرفته و بی آنکه دغدغه فراوری از مولفه‌های زبانی و شگرذهای فرمی و فرامتنی داشته باشد یا تمرکز بر عناصر عاطفه و حس آمیزی محتوایی و بعضا کشف و شهودهای طریف و محتوا محور فراز و فرود شاعرانه‌ای را رقم زده اند.

همانطور که اشاره شد این دفتر شامل ۵۵ قطعه شعر می باشد (به گمان بنده عدم نامگذاری اشعار یکی از ویژگی‌های مثبت این قبیل آثار می تواند باشد که از این تعداد بیش از دو سوم سروده‌ها از حجم روایی نسبتا بلند و غیر موجز برخوردارند. روایتهایی که در عین انسجام و یکدستی تابع شیوه‌های امروزی نبوده و به واسطه ارائه دال و مدلول‌های خطی از امکان حضور و مشارکت مخاطب در متن کاسته است.

در همین رابطه نکته‌ای حائز اهمیت است بدین شرح که، شعر خواب گرچه محدود به زبان و زمان ژانر یا کوتاه بلندیهایی فرمیک نیست؛ اما پوشش و جامه و جلوه آرایشی آن در هر برهه‌ای از زمان می تواند منجر به ایجاد جذایت و برخورد متفاوت مخاطب شود؛ مخاطبی که قرار است در دنیای کنونی بر حسب مولفه‌های چند صدایی، دیالوگ، ارجاعات فرامتنی، مرکززدایی و پرسپیک (انتقال از امری به امر دیگر) اثر با مشارکت او کامل گردد و این از جمله مواردیست که گاهی لازم است تا شاعر امروز ضمن آشنایی با آن در انعکاس و پرداخت موضوعی و بدل کردن ذهنیت‌ها به عینیت‌های شاعرانه خود از آن سود جوید. چرا که در ساده‌ترین تعریف شعر اتفاقی است که در زبان می افتد و زبان فقط و فقط یک ابزار معناساز یا به عبارتی رسانای معنا نیست.

بدون تردید مجید لواف با انتشار مجموعه جای خالی هزار پرنده برگی بر کتاب افتخارات شعر سپید قزوین افزوده است. اتفاقی که شاید می باید زودتر از این‌ها می افتاد.

به هر روی تولد این مجموعه را به شعر و شاعران قزوینی تبریک گفته و برای مجید لواف موفقیت‌های بیش از پیش آرزومندم.

شعری از دفتر جای خالی هزار پرنده:

باد اگر از لای در هم بوزد همه چیز خانه را خواهد برد حتی عکس‌های تو را من اما نگران باد نیست تمام حواسم به پرندگانی ست که هر صبح

از شاخه‌های درخت آن طرف پنجره کوچ می کنند و هیچوقت بازی نمی‌گردند

چاپ: موسسه ایران چاپ

آدرس: قزوین، خیابان آیت‌اله کاشانی (باغ دیر)، کوچه آزاد، پلاک ۲، هفته‌نامه پیام شهر.

شماره تماس: ۳۳۳۱۲۴۱ | شماره: ۳۳۳۱۲۴۲

وب سایت: payameshahr.qazvin.ir | پست الکترونیکی: payamshahr98@gmail.com

استفاده از مطالب و عکس‌های نشریه با ذکر منابع آزاد است.



هنر اجرا و پیکرهای پیام‌آور

گفت و گو با زهرا غیاثوند؛ کارگردان و اجراگر پرفورمنس (هنر اجرا)

در اغلب اوقات این‌گونه است که برای کشف رمز و رازهای یک اثر هنری باید در وجود و ماهیت خالق آن جست و جو کنیم؛ چرا که یک اثر هنری به یکباره شکل نمی‌گیرد و مانند نوزادی که به تدریج در وجود مادر پرورانده و آفریده می‌شود، اثر هنری در وجود هنرمند شکل می‌گیرد، به تدریج با رشد سلول‌های هنرمند رشد می‌کند، با او راه می‌رود، می‌خندد، می‌خوابد و در نهایت به هنگام تکامل، بروز عینی یافته و متولد می‌شود. این فرآیند و اتفاق به نوعی خلق همراه با تغییر است و همان اتفاقی ست که آثار هنری «زهرا غیاثوند» را به گفته خودش شکل داده است. او که در مقطع کارشناسی رشته برق الکترونیک خوانده می‌گوید وقتی سال سوم کارشناسی بوده متوجه می‌شود، این رشته برای او به نوعی تکت بعدی ست و راضی اش نمی‌کند. شروع می‌کند به مطالعه کتاب‌های هنری، انسان‌شناسی و فلسفه و به این رشته‌ها علاقه‌مند می‌شود. سپس در کنکور کارشناسی ارشد هنر شرکت می‌کند و در رشته ادبیات نمایشی دانشگاه سوره تهران پذیرفته می‌شود. با زهرا غیاثوند درباره هنرش به پرفورمنس آرت است، به گفت و گو نشستیم.

گل اندام صفری

● **کدام ویژگی هنر تئاتر تو را جذب خودش کرد، طوری که تغییر رشته دادی؟**
بر خلاف بقیه هنرها تئاتر در لحظه به‌وجود می‌آید و در لحظه هم می‌میرد و آنچه که می‌ماند همه در حافظه تصویری و شنیداری ماست. این میرایی



تئاتر سنتی یا رو حوضی در قزوین

مهدی نورمحمدی

در قزوین نیز مانند بسیاری از شهرهای کشور، تئاتر سنتی یا تخت حوضی از قبیل: مسخره بازی، تقلید، خیمه شب بازی، لال بازی، سیاه بازی، بقال بازی و دلفک بازی جریان داشت. ویژگی این گونه نمایش، بداهه پردازی و انتقاد از اوضاع جامعه در لباس طنز، ساده لوحی و مسخرگی بود. محمد باقر آصف زاده در این خصوص می‌نویسد: «در دوره قاجاریه، روحوضی کم کم در این شهر رخ نمود و چون جنبه بسیار تند و شدید انتقادی داشت و با مایه‌هایی از طنز و کنایه و مسخرگی انجام می‌شد و موجب خنده و نشاط تماشاگران را فراهم می‌ساخت، در مراسم سور و عروسی از آن استقبال شد و رواج یافت. اجرای این نمایش چنین بود که با تخته‌های مخصوصی روی حوض را با قالی یا قالچه فرش کرده و اطراف آن را می‌آراستند و به بازی مشغول می‌شدند. به همین دلیل آن را تئاتر

هفته‌نامه اطلاع‌رسانی شهرداری قزوین

صاحب امتیاز: شهرداری قزوین

مدیرمسئول: عادل مهربانی

صفحه آرای و گرافیک: محمد (مرتضی) ملاعلیا



سه شنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۹۸ | ۲ جمادی الثانی ۱۴۴۱ | شماره ۲۵۲

اتفاقی در این هنر می‌افتد؟

پرفورمنس یک شاخه هنری بین هنر تجسمی و تئاتر است که می‌گویند؛ ریشه اش مجسمه‌سازی می‌آید. در این هنر ما به دنبال کالاستیم و چیزی که مهم است فرآیند تغییر است. من خودم در حال تغییرم که آن را به شکل اثر هنری نشان می‌دهم. مترسال اصلی پرفورمنس هنر بدن انسان است. نگاه هنر معاصر به مترسال هنر تغییر کرد و به جز ابزار قبلی، بدن نیز به عنوان یک مفهوم وارد هنر شد. من فکر می‌کنم در دنیای مدرن پیکره توسط تکنولوژی، جنگ و اتفاقات دیگر خمیده و مجاله شده و آدم‌ها گوزپشت شده‌اند. آن چیزی که اینها را به حالت اول و عزت انسانی شان باز می‌گردانند. این است که این پیکرها را ببینیم و در موردشان حرف بزنیم.

● **تا به حال چند اجرا داشته‌ای و به کدام‌شان بیشتر از همه علاقه داری؟**

من به همه اجراهایم که ۱۶ اجرای پرفورمنس درباره موضوعات مختلف اجتماعی و انسانی و یک لند آرت درباره باغستان قزوین است، تعلق خاطر دارم و هنوز درباره همه‌شان عمیقاً فکر می‌کنم. تغییر در این هنر خیلی مهم است و اولین کسی که تغییر می‌کند اجراگر است. اگر کسانی که اجرا می‌کنند متعهد و پایبند باشند تغییر را واقعاً حس می‌کنند. در این هنر قرار بر بازی کردن نیست. قرار بر عمل کردن است. اینکه به آنچه ایمان داری پایبند باشی، اراده داشته باشی و عمل کنی. اگر این اتفاق بیفتد تماشاگران هم تو را درک می‌کنند، یا تو ارتباط برقرار می‌کنند و همزمان با تو تغییر می‌کنند. من

گاهی بازتاب‌هایی از تماشاگرانم می‌گیرم که مثلاً می‌گفت من بعد از اجرا که به خانه رسیدم ساعت‌ها گریه کردم. این به این خاطر است که این هنر باعث می‌شود تو روبه‌روی خودت باید و به یک آگاهی جدید برسی. بین اجراهایم، اولی را که درباره زنان مهاجر افغان بود را خیلی دوست دارم. در این اجرا که در یک نانوائی در خیابان تبریز قزوین اجرا کردم از زنان افغان خواستم خمیر نان رابه شکل آرزوها، ترس‌ها و رنج‌هایشان در بیاورند. خمیرها که پخته شد از آنها خواستم نان را بخورند و بهشان گفتم سیاست مثل نان است. شما امروز نانی را می‌خورید که قبلاً خودتان درست کرده‌اید.

به نظر من همه آدم‌ها پیامبر یک پیکر منحصر به فرد هستند. در این هنر مفهومی در لحظه به‌وجود می‌آید و از بین می‌روند. تاثیر این هنر این است که خوب نگاه کنیم، قضاوت نکنیم و از طریق بدن ارتباط برقرار کنیم نه از طریق چیزهایی گفته شده و می‌دانسته‌ایم.

● **برنامه‌ات برای ادامه کار و سالهای آینده چیست؟**

هنر ما به زندگی و شرایط اجتماعی و خانوادگی گره خورده اما آن‌چه که می‌دانم این است که به هنرم متعهد هستم و در هر شرایطی آن را ادامه می‌دهم. تمام حرف این هنر این است که با شعور و آگاهی با آدم‌ها و در سطحی فراتر از رابطه روزمره، ارتباط برقرار کنیم. بنابراین هر جا تماشاگران هم تو را درک می‌کنند، یا تو ارتباط کتم با هنرم آن را نشان دهم.



ادبیات در شهر

نامه باستان

گمان می‌ر که به پایان رسید کار مفان هزاره یاده ی تا خورده در رگ تاک است

ندا خوینی

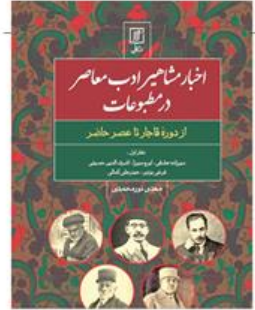


مربوط به پادشاهی گشتاسب و ظهور زرتشت و تاختن از جاسب به ایران است. نقل شده که دقیقی به تشویق نوح دوم سامانی شروع به سرودن شاهنامه کرده است و در دوره سامانیان می‌زیسته است. شاهنامه در روایت علمایان مردم با شاهنامه‌ای که محققانی چون دکتر جلال خالقی مطلق، دکتر ابوالفضل خطیبی، دکتر میر جلال‌الدین کزازی و... گاهی اوقات فرهنگ و تمدن و ادب ایران معرفی کنیم. به طور قطع تاکید بیشترمان بر بخش حماسه و اسطوره خواهد بود که بازتاب و وضعیت جامعه باستان و شامل نکاتی در انسان‌شناسی فرهنگی است که از سلسله‌های پیشدادی و کیانی (پیش از تاریخ) تا حماسه (داستانهای پهلوانی) را مورد بررسی قرار خواهیم داد تا مخاطب فهم و دانایمان را با ریشه‌های داستانهای شاهنامه آشنا کنیم. منبع اولیه حکیم فردوسی در سرودن شاهنامه ۱۰۰۰ مینمی‌است که ابومنصور محمد بن احمد توسی ملقب به دقیقی سروده بود و فردوسی آن را پرورده و ادامه داده است. بر طبق منابع هزار بیتی که دقیقی سروده

کتاب شهر

کتاب «اخبار مشاهیر ادب معاصر در مطبوعات» منتشر شد

کتاب «اخبار مشاهیر ادب معاصر در مطبوعات، از دوره قاجار تا عصر حاضر، به کوشش مهدی نورمحمدی توسط نشر علم منتشر شد. این کتاب، جستجویی است گسترده در روزنامه‌ها و مجلات دوره قاجار تا عصر حاضر که در آن، اخبار و مطالب مربوط به پنج تن از مشاهیر ادب معاصر گردآوری شده است. با توجه به این که اخبار فراهم آمده، اطلاعات و آگاهی‌های ارزشمند و نکات جدید و بعضاً منتشرنشده‌ای را دربارۀ زندگی، اشعار، آثار و افکار مشاهیر ادب معاصر در اختیار قرار



می‌دهد، به عنوان منبعی تحقیقی مستند و معتبر، موجب شناخت بیشتر علاقه‌مندان و محققین درباره زندگی و آثار

شخصیت‌های مشهور ادبیات معاصر شده و گامی جهت پژوهش‌های بعدی درباره آنان محسوب می‌شود. در مجموع، این کتاب حاوی ۲۲۱۱ خبر است که ۶۶ عنوان آن به میرزادۀ عشقی، ۴۴ عنوان به ایرج میرزا، ۴۱ عنوان به نسیم شمال، ۵۰ عنوان به فرخی یزدی و ۲۰ عنوان به حیدرعلی کمالی اختصاص یافته است.



«احتکام»

سوال: اگر شخصی به اشتباه گمان برد که وقت نماز صبح تمام شده و نماز خود را به نیت قضا بخواند و هنگام نماز ظهر بفهمد که نماز صبح قضا شده بود، حکم نمازی که خوانده چیست؟

جواب: اگر به قصد وظیفه فعلیه و آنچه بر عهده او می‌باشد نماز را خوانده، صحیح است.

یک اثر یک تجربه



ذهن چرخان چون ماشین لباسشویی

احسان میرزایی

جرقه‌اولیه خلق هر اثر هنری از یک ایده یا سوزۀ شروع می‌شود که گاهی برگرفته از چیزهایی است که در اطراف مان می‌بینیم و به سادگی از آن عبور می‌کنیم. ایده فیلم من هم از آشپزخانه شروع شد و آن هم از لباس شویی سفید نسبتاً قدیمی که در گوشه آشپزخانه خانه ما سال‌هاست که جا خوش کرده و زحمت شست و شوی لباس‌ها را می‌کشد و کمک دست مادر است. یک روز که لباسشویی کار می‌کرد و من نیز در آشپزخانه بودم، به یکباره چرخش دورانی لباس‌ها از درب نسبتاً بزرگ و شیشه‌ای ماشین توجه من را به خودش جلب کرد. اندکی به لباسشویی نگاه کردم و باخودم گفتم چطور می‌شود که لباس دون این دستگاه مکانیکی ساخت دست بشر شسته و پاکیزه می‌شود؟

همین‌طور که به لباس شویی نگاه می‌کردم صدای اخبار هم در گوشم منعکس می‌شد که می‌گفتند: «رایس جمهور آمریکا از توافق برجام خارج شد و سران کشور‌های اروپایی دب بی تلاش برای انجام تعهدات برجامی خود هستند تا این توافق را زنده نگه‌دارند»

همین‌طور که صدای گوینده اخبار را می‌شنیدم، باخودم گفتم کاش می‌شد جای این لباس‌ها سر سیاست‌مداران جهان بود دستگاه می‌کردند تا افکار پلید ذهنشان شسته‌شود. به سرم زد که فیلمی تجربی بسازم تا با نگاهی تجربی این مفهوم را به تصویر بکشم. پس تصمیم گرفتم فیلمی کوتاه و تجربه‌گرا بسازم. سعی ام این بود تا آلمان‌های ساخت یک فیلم تجربی را در ساخت فیلمم رعایت کنم؛ اما من اول راه بودم و هنرجوی تازه فیلمسازی که اصلاً فیلم تجربی نساخته بود؛ اما به خودم ایمان داشتم که باید و باید این فیلم ساخته شود. شروع به تحقیق کردم از برادرم، از دوستان و موتورهای جست و جو گر کمک گرفتم و درباره جنگ و صلح و هر نماد و علامتی که می‌توانست به من کمک کند تحقیق کردم، مطلب را جمع و دسته‌بندی کردم و سعی کردم و فقط تلاش داشتم تا از توان خودم بهره‌برگیرم و از آن جایی که با تدوینگری آشنا بودم تمام صحنه‌های فیلم را که نیاز به ساخت کارتون داشت، خودم با کامپیوتر شخص ام ساختم. اما ساخت هر اثری مشکلاتی با خود دارد از جمله اینکه چون من تازه کار بودم نمی‌توانستم به دنبال تهیه هسته یا حتی دوستانی که در امر فیلمسازی هستند بروم. البته با چند نفر موضوع ساخت فیلمم را درمیان گذاشتم و با اعتماد بالایی می‌گفتم که مطمئن هستم فیلم خوبی از آب درمی‌آید و هدفم از ساخت این فیلم حضور در جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران است؛ ولی بعضی‌ها لبخندی بر صورت داشتند و جویری نگاهم می‌کردند که انگار من شوخی می‌کنم. این باعث شد که بدانم در این راه تنها هستم و فقط خودم و خودم هستم که باید این راه را بروم. سعیم را کردم که اول تمام اصول و چهارچوب‌ها را رعایت کنم که وقتی کار تمام شد از کارم راضی باشم. وقتی کار به پایان رسید چندبار فیلمم را تماشا کردم و هر مرتبه با دقت به فریم به فریم فیلمم توجه می‌کردم که اشتباهی در کار وجود نداشته باشد. خدا را شکر فیلمم را که تازمانی جشنواره دیدم، یاد این شعر افتادم؛ هرچیز که در جستن آبی آبی